

دکتر کامران طارمی *

امنیت خلیج فارس؛ همکاری استراتژیک امریکا و عربستان

در تاریخ: ۱۳۷۹/۲/۱۲

به منظور بررسی علل و عوامل کشیده شدن امریکا و عربستان سعودی به ایجاد رابطه استراتژیک، دوره زمانی ۱۹۳۰ تا ۱۹۹۰ را در چند برهه کوتاه بررسی می‌کنیم. دوره اول که از ۱۹۳۰ آغاز می‌شود و تا سال ۱۹۵۰ ادامه می‌یابد در واقع دوره جنینی همکاریهای دفاعی بین عربستان سعودی و امریکاست، دوره بعدی (۷۹ - ۱۹۵۰) به اصطلاح دوران استحکام و بلوغ این روابط است. در سالهای ۱۹۳۰ دولت عربستان سعودی با قیام بعضی از طوایف این کشورها روبه‌رو بود و این تهدیدی جدی برای حکومت ملک عبدالعزیز محسوب می‌شد و علت اصلی قیام این طوایف این بود که دولت عربستان ذخیره مالی کافی برای پرداخت مستمری سران این قبایل را نداشت (به دلیل رکود اقتصادی دهه ۳۰). در این شرایط دولت عربستان تصمیم گرفت امتیاز استخراج و اکتشاف نفت در خاک عربستان را به کمپانی استاندارد کالیفرنیا واگذار نماید. کمپانی SOCAI متعهد شد سالیانه ۳۵۰۰۰ دلار امریکا به این کشور بپردازد. اعطای امتیاز نفت حرکتی حساب شده از طرف ابن سعود برای وارد کردن امریکا به صحنه سیاسی عربستان بود.

تا سال ۱۹۳۳ ایالات متحده هیچ رابطه اقتصادی، سیاسی یا نظامی با عربستان نداشت و تا قبل از جنگ جهانی دوم این رابطه صرفاً اقتصادی باقی ماند. با آغاز جنگ و پی بردن به اهمیت نفت، عربستان سعودی برای ایالات متحده یک ارزش استراتژیک پیدا کرد. در نتیجه دولت امریکا نظر مساعدی نسبت به خواسته‌های عربستان سعودی که یکی از آنها ارسال تسلیحات به عربستان بود، نشان داد. در سال ۱۹۴۳ در پاسخ به این درخواست عربستان، دولت ایالات متحده امریکا یک هیأت نظامی همراه با یک مستشار نظامی و مقداری اسلحه سبک به عربستان ارسال می‌کند.

بر اساس پیشنهاد هیئت امریکایی مقرر شد که تعداد پرسنل نیروهای زمینی، هوایی

و دریایی امریکا افزایش یابد و یک نیروی نظامی مکانیزه کوچک که از پشتیبانی آتش قوی بهره‌مند باشد و امکانات لازم برای حمل و نقل در قلمرو گسترده عربستان را دارا باشد، ایجاد شود. علاوه بر این مقرر شد نیروهای هوایی عربستان به نحوی تجهیز شود که بتواند به طور شایسته‌ای از فضای عربستان سعودی دفاع کند و در صورت لزوم از واحدهای نیروهای زمینی پشتیبانی کند. همچنین مقرر شد که تأسیسات نظامی عربستان که تا آن زمان ابتدایی و عقب افتاده بود، بازسازی و پایگاه‌هایی احداث شود. در چارچوب مطالعات این هیئت تأمین تجهیزات نظامی به عهده دولت امریکا بود و همچنین وظیفه ساخت تأسیسات زیربنایی نظامی به سپاه مهندسی ارتش امریکا واگذار شد.

در عربستان سه شهر نظامی ساخته شد، و بر اساس پیشنهاد هیئت امریکایی یک سوم از نیروهای نظامی عربستان در این شهرها مستقر شدند. یک سوم دیگر از نیروهای نظامی عربستان در منطقه زهران و یک سوم باقیمانده در مکه، مدینه و طائف مستقر شدند. پایگاه‌های ساخته شده بر همکاری‌های دفاعی بین عربستان سعودی و امریکا تأثیر گذاشت.

از زمان پایان جنگ جهانی دوم یعنی سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۱ دولت امریکا در تقسیم کار جهانی، وظیفه دفاع از منطقه خلیج فارس را به دولت انگلستان واگذار کرده بود. زمانی که در سال ۱۹۶۸ انگلستان نیروهای نظامی خود را از منطقه خلیج فارس خارج کرد، دولت امریکا و دولت ایران در چارچوب دکترین نیکسون به توافق رسیدند تا این وظیفه را به دولت شاه واگذار کنند و در سال ۱۹۷۹ با سقوط شاه، دکترین نیکسون و استراتژی دو پایه که برای مدت یک دهه امریکا برای حفظ منافع غرب و علی‌الخصوص امنیت عربستان سعودی بر آن تکیه کرده بود سرنگون شد.

سقوط رژیم شاه در ۱۹۷۹ سبب متحول شدن همکاری‌های نظامی بین عربستان سعودی و ایالات متحده امریکا شد. همچنین شوک دوم نفتی موجب گردید که قیمت نفت از بشکه‌ای ۱۲ دلار به بشکه‌ای ۲۸ دلار افزایش یابد. ایران که در زمان شاه به قول وی از آمیختن نفت با سیاست خودداری کرده بود بعد از ۱۹۷۹ مواضع خودش را تغییر

استفاده کنند. در نتیجه نگرانی عمیقی در اذهان دولتمردان امریکا در مورد تأمین نفت کافی برای کشورهای صنعتی در دهه‌های آینده به وجود آمد.

اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۷۹ مسأله دیگری بود که سبب تشدید این نگرانی‌ها شد. نتیجه کلی تحولات در اوضاع سیاسی ایران و افغانستان، افزایش اهمیت حفظ ثبات سیاسی عربستان و تبدیل شدن آن به یکی از اهداف حیاتی ایالات متحده بود. این وقایع عربستان را نیز جهت تأمین امنیت خود به امریکا وابسته‌تر ساخت.

تحولات بسیار نگران‌کننده در منطقه خلیج فارس دولت کارتر را متقاعد نمود که برای مقابله با اوضاع روبه وخامت امنیتی در این منطقه، استراتژی نظامی جدیدی تهیه کند. این استراتژی که لازمه آن تشکیل یک نیروی واکنش سریع بود، پیامدهای بسیار مهمی بر رابطه میان امریکا و عربستان داشت.

در اواخر سال ۱۹۷۹ دولت امریکا مذاکراتی با دولت عربستان برای دستیابی به پایگاه‌های نظامی آغاز نمود. نمایندگان دولت امریکا تأکید داشتند که آنها خواهان پایگاه دائمی نیستند، بلکه علاقه‌مند به «دسترسی به تسهیلات» می‌باشند. این سطح جدید همکاری میان دو کشور عربستان و امریکا، هیچگاه با عقد یک پیمان دفاعی حالت رسمی نگرفت، اولاً به این دلیل که دولت عربستان تمام هزینه‌های لازم را تقبل کرد و ثانیاً، عقد هرگونه موافقت‌نامه رسمی با واکنش منفی کشورهای همسایه عربستان روبه‌رو می‌شد و تأثیرات سوئی بر امنیت عربستان داشت و آخر آنکه، دولت کارتر از مخالفت گروه‌های یهودی طرفدار اسرائیل در امریکا آگاه بود.

برای آماده کردن عربستان به عنوان پایگاه اصلی نیروهای واکنش سریع مقامات عربستان و امریکا در سه زمینه به توافق رسیدند: ساخت یک شبکه دفاعی هوایی یکپارچه، توسعه تأسیسات نظامی و انبار کردن قطعات یدکی و مهمات برای استفاده نیروهای واکنش سریع در خاک عربستان.

در رابطه با اقدام اول، برای اینکه نیروهای واکنش سریع بتوانند وارد منطقه شوند لازم بود که کنترل فضای منطقه خلیج فارس را در دست بگیرند و همچنین این نیروها پس

نظامی خود را در هوا و هم در دریا هماهنگ کنند.

این شبکه هوایی دفاعی از عناصر زیر تشکیل می‌شود: عنصر اول هواپیماهای آواکس بود که به درخواست امریکا، دولت عربستان اقدام به خرید ۵ فروند آن به اضافه قطعات یدکی لازم برای سه سال پرواز نمود. و همچنین ۶ فروند هواپیمای سوخت رسان نیز خریداری شد. علاوه بر اینها تصمیم گرفته شد که تأسیسات راداری جدیدی در عربستان سعودی ایجاد شود. رادارهای قدیمی جای خود را به رادارهای بسیار پیشرفته سه بعدی داد. گام بعدی این بود که دفاع و کنترل منطقه هوایی خلیج فارس به پنج پایگاه اصلی نیروی هوایی عربستان واگذار شد. این پنج پایگاه از طریق یک سیستم کامپیوتری با هواپیماهای آواکس و با رادارهای زمینی ارتباط داشتند. مرکز اصلی این شبکه دفاعی داخل شهر ریاض، پایتخت عربستان، قرار داشت.

جنبه دیگر اقدامات امریکا، گسترش تأسیسات نظامی عربستان بود. این تأسیسات شامل پایگاههای هوایی، پادگانهای نیروی زمینی و بنادر دریایی و ... می‌باشد. نظامیان امریکا به این اقدام «بزرگساز» اطلاق می‌کردند. اقدام دیگری که به موازات بزرگساز تأسیسات نظامی در عربستان انجام شد، «خرید اضافی» نام داشت که بر اساس آن دولت عربستان به هزینه خود اسلحه و مهمات و قطعات یدکی و تجهیزات تعمیر و نگهداری مورد نیاز نیروهای واکنش سریع برای عملیات را از امریکا خریداری می‌کرد.

دکتر فرهنگ رجائی*

جهانی شدن و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ: ۱۳۷۹/۲/۱۹

در این سخنرانی سعی شده است به دو سؤال پاسخ داده شود؛ اول اینکه این پدیده جهانی شدن که در حال تحول است، چه پدیده‌ای است؛ دوم اینکه؛ در این تحولات ایران چه شأنی می‌تواند داشته باشد و آیا ما تاکنون سیاست خارجی متناسب با این شأن را داشته‌ایم؟